

یاد داسها

در تاریخ صنایع افغانستان

کی از موضوعهای بسیار مهم و دلچسپی که باید در تاریخ کشور ما با دقت و تحقیق و کنج کاوی فراوان جستجو و فراهم آوری شود معلوماتی است دربارهٔ صنایع مختلف که در ادوار سابقه افغانستان وجود داشته است. اریخ صنایع و هنرهای نفیس جزو معتنا به فرهنگ ماست و باید تمام نکات و جزویات آنرا فراهم آوریم در آینده در پایان هر فصل تاریخ اوضاع صنعتی همان دوره را با بسط و تفصیل مورد بررسی قرار دهیم. ویسندۀ این سطور در حین مطالعه کتب تاریخی نکات یادداشتهایی را درین مورد فراهم آورده ام که کافی و جامع و مانع نیست، ولی برای اینکه ضایع نشود و در آینده بدرد نویسندگان گرامی این رشته بخورد آنرا به مجلهٔ آریانا می سپارم و ممکن است که در حین ترتیب و تدوین تاریخچه صنعت و هنر سودمند افتد و هر مبحث آن بموقع خود گذاشته شود.

خطاطی :

یکی از صنایع بسیار جالب و زیبای خراسان در دوره اسلامی هنر خوش خطی است حتی برخی از دانشمندان هنر شناس معتقد اند توجهی را که این مردم در ترتیب کتاب های خطی داشته اند بی نظیر است و هیچ یک از ملل عالم نتوانسته است پیایه آنها برسد. وقتی انسان یکی از کتب خطی این مردم را بدست میگیرد نمیداند چه قسمت آنرا بیشتر مورد دقت قرار بدهد؟ زیرا تزئینات و تذهیب کاری و جاذبه و رنگ آمیزی و زیبایی خط و نقش و نگار جلد آن هر یک در خور دیدن و سحر انگیز است که بیننده بی اختیار از دیدن تمام این محاسن هنزی در شگفت می ماند (۱) صنعت خطاطی از اوایل دوره اسلامی در افغانستان رواج داشت و برسم الخط کوفی که بقول دکتور ولفنسون از برسم الخط نبطی متاخر برآمده بود (۲) و عربها آنرا در قرن هفتم میلادی در افغانستان رواج داده بودند، کتابها و کتیبه های خود را می نوشتند.

قدیم ترین کتیبه این رسم الخط در افغانستان تاجایی که اکنون مکشوف و معلوم است در وادی توچی وزیرستان بر یک سنگی بدست آمده که در جمادی الاولی (۲۴۳ هـ ۸۵۷ م) درباره تعمیر بنایی نوشته شده و نه سطر برسم الخط کوفی و زبان عربی و پنج سطر برسم الخط سره دانانگری Sarada Nagri و زبان سنسکریت دارد، که این سنگ نبشته اکنون در موزه پشاور موجود است (۳) و از ملاحظه آن پدید می آید که در اواسط قرن سوم هجری در حواشی شرقی افغانستان رسم الخط کوفی توام با رسم الخط سنسکریت رواج داشت و نفوذ آداب و رسوم اسلامی و عبی تاکوهسار توچی پهن شده بود. کتیبه دیگری بهمین رسم الخط کوفی ساده بدون تزئینات بر کنار دریای سند در

خرابه های شهر قدیم و بیهند که بعد از عقب نشینی کابلشاهیان از فتوحات اسلامی پایتخت ثانی ایشان بود بر دیوار کهن چاهی در سنه (۱۸۹۴ م) پیدا شده و بران بزبان عربی و رسم الخط کوفی چنین نوشته است: "بسم الله الرحمن الرحيم بنا هذا البئر ابو جعفر محمد بن عبد الجبار بن محمد الجوزجانی فی ذی القعدة سنه اثنی و ثمانین و اربعمائه." (۴)

این کتیبه که بسال (۴۸۲ هـ - ۱۰۹۰ م) تعلق دارد نفوذ کامل رسم الخط کوفی دارد افغانستان تا کرانه های اباسین بثبوت میرساند و اینکه کتیبه از طرف یکنفر فقیه جوزجانی افغانستان نصب شده بجای خود مهم و دلچسپ است.

قدیمترین کتابهای این رسم الخط که تاکنون بخط مردم خراسان در موزه های اروپا و کتب خانه ها موجود اند عبارتند از کتاب الابنیه عن حقایق الادویه تالیف ابو منصور موفق هروی که در شوال ۴۴۷ هـ (جنوری ۱۵۶ ن) بخط علی بن احمد طوسی خراهرزاده یا برادر زاده فردوسی خراسانی نوشته شده و نسخه واحده خطی آن در کتب خانه وینا است. (۵)

دیگر جلد ثالث شرح کتاب التعرف المذهب التصوف است که در حدود (۳۹۰ هـ) زاهد فقیه امام ابو ابراهیم اسمعیل بن محمد مستملی بخاری (متوفی ۴۳۴ هـ) کرده است (۶) این کتاب از مهمترین آثار قدیم زبان فارسی فصیح عصر سامانی است که یک نسخه خطی قدیم آن باخط بسیار پخته و زیبای کوفی در ۲۴ شوال ۴۷۳ هـ ۱۰۸۰ م نوشته شده و در پشاور پښتونستان در کتب خانه مولانا فضل صمدانی موجود بود. دیگر کتاب خطی بهمین رسم الخط کتاب هداية المتعلمین تالیف ابوبکر ربیع ابن احمد بخاریست که نسخه خطی

واحدہ آن در اکسفورد انگلستان موجود و نوشته (۴۲۸ هـ) است. از نسخه خطی کتاب ترجمان البلاغه محمد بن عمر را دوستانی که در سنه (۵۰۷ هـ) بخط ارد شیرین دیلمسپار قطبی از شاگردان اسدی طوسی نوشته شده و در کتبخانه فاتح استانبول موجود است پدید می آید (۷) که رسم الخط کوفی از اوایل دوره اسلامی تا اواخر دوره غزنویان و عصر سلجوقیان برای نوشتن کتب استعمال می شد اما از مقابله قدیمترین نمونه خط کوفی که تاکنون کشف شده و در خراسان جبل درویز بر سنگی بالای کلیسائی بزبان عربی و یونانی نقش و متعلق به سال (۵۶۸ م) است و بعد ازان بر کتیبه قبری در مصر همین رسم الخط مربوط بسال (۳۱ هـ) موجود است (۸) معلوم می شود که خط کوفی از اوایل خیلی ساده و بسیط و نازبا و حروف آن خیلی فراخ و کم ارتفاع بود ولی بمرور زمان ذوق مردم خراسان آنرا پروراند تا که در اوائل قرن پنجم هجری کشیده و زیباد شده و در دوره سلجوقی خط کوفی بر دقت و زیبایی خود افزود. (۹)

تا که خط نسخ ازان بوجود آمد و بعد ازان در قرن هفتم به تعلیق تحول کرد و از مجموعه نسخ و تعلیق خطی بنام نستعلیق بمیان آمد که رقت و شیوایی و سهولت و نرمی و ارتجائی را دران مشاهد میکنیم. (۱۰)

اختراع خط نستعلیق منسوب به قبله الکتاب میر علی از درباریان تیموریه خراسان است یک نسخه خطی همای و همایون خاجوی کرمانی بتاریخ (۷۹۹ هـ ۱۳۹۷ م) بقلم او نوشته شده و در موزه برتانیاست. (۱۱)

مکتب نستعلیق نویسی در خراسان و هرات در سایه هنر پروری تیموریان در عصر رسانس هنری هرات باوج کمال رسید عبدالله پسر

میر علی کار پدر از تکمیل کرد و از دو نفر شاگردان میر علی مولانا جعفر ریاست دبیرخانه بایسنقر میرزا را در هرات داشته و چهل نفر خوشنویس زیر دست او بودند. جعفر بایسنقری در اکادیمی هرات نفیس ترین کتب دنیا یعنی نسخه شهنامه فردوسی را در سنه (۸۲۳ هـ - ۱۴۲۰ م) نوشت (موزه گلستان تهران) که بجایش شرح داده خواهد شد. همچنین نسخه خطی گلستان سعدی را همین جعفر در هرات بسال (۸۳۰ هـ - ۱۴۲۶ م) برای شهزاده بایسنقر نوشت که بهترین کتابهای خطی کلکسیون چسترییتی لندن شمرده مشود و علامت کتابخانه بایسنقر میرزا دارد.

عده زیاد نسخ خطی عالی مکتب هرات متعلق بدوره شاهرخ اند یک نسخه عالی خمسة نظامی که مجموعه لویی کارتپه در پاریس موحود است ممهور به مهر شاهرخ است. (۱۲)

اما شاگرد دیگر میر علی مولانا اظهر (متوفی ۸۸۰ هـ - ۱۴۷۵ م) هنرمند جهانگردی بود که خط نستعلیق را از هرات تا بیت المقدس نشر داد و یک شاگردش سلطان علی از (۸۷۵ هـ - ۹۱۲ هـ) در هرات بدربار سلطان حسین بایقرا بسر می برد، که دیوان وزیر هرات میر علی شیرنواپی را در (۹۰۵ هـ - ۱۴۹۹ م) نوشت و بخط همین استاد نسخه گوی و چوگان عارفی بین سنوات (۸۷۰ - ۸۸۰ هـ) در هرات نوشته شد که اکنون به نمره (۱۸۱۰) در کتابخانه فاتح در استانبول موجود است.

یکی از آثار آزمان که مصدر الهام برای هنرمندان این مکتب بوده دیوان شاعر معروف حضرت جامی است (۸۱۷ - ۸۹۸ هـ - ۱۴۱۴ - ۱۴۹۲ م) در موزه متروپولیتن نسخه یی ازین دیوان موجود است که بین سالهای (۸۶۸ - ۸۸۴ هـ) در زمان حیات جمی بوسیله خطاط معروف عبدالکریم خوارزمی نوشته شده و از لحاظ سبک خط شباهت زیادی

به نسخه یی ازان دیوان دارد، که در سال (۸۶۸ هـ ۱۴۶۳ م) توسط عبدالرحیم برادرش استنساخ شده این هر دو خطاط زبردست شیوه خط نستعلیق را تغییر دادند و فرزندان عبدالرحمن خوشنویس معروف بودند. (۱۳)

خطاطان معروف و هنرمندان دیگر در اکادیمی هرات عبدالکریم ولد عبدالرحمن خوارزمی و ابراهیم بن شاهرخ بن تیمرو و خود بایسنقر میرزاست که درین دوره بعد از پیشرفت خط نستعلیق دو نوع خط دیگر یعنی خط دیوانی و دشتی نیز بوجود آمده است. (۱۴)

هنر خطاطی در افغانستان دروه ارتقای خود را تکمیل کرد و در قرن نوزدهم دو مکتب خاص دران موجود بود اول مکتب میر عبدالرحمن هروی که در اواخر عصر سقوط سدوزانیان میزیست و در نستعلیق نویسی آیتی بود و همین مکتب را تاکنون برخی از شاگردان این دبستان تعقیب می نمایند. که یکی از ایشان دانشمند فیضی کابلی است و درین اواخر مناجات حضرت خواجه عبدالله انصاری را بهمین اسلوب نشوته و عکاسی شده است و پیش ازین مرحوم میرزا محمد یعقوب از خطاطان معروف این مدرسه بود.

مکتب معروف دیگر نستعلیق دبستان سید عظامحمد شاه قندهاریست که فرزندش سید عثمان آقا و دو نفر شاگردش سید داؤد الحسینی و سید ایشان آقا تاکنون چشم و چراغ این محفل اند، و این هنرمندان رویه میر عماد معروف را پیروی نمایند.

علاوه برین دبستان خط شکسته نیز در چند قرن اخیر موجود بوده و نمونه های خوبی ازین اسلوب بخط مرحوم سردار غلام محمد خان طرزی افغان دیده شده و درین وقت بساغلی عزیزالدین پوپلزی در انواع خطوط هنری نمایی دارد.

مصوری و نقاشی :

از آثار مانوی که در تورفان کشف شده و نیز از عنعنۀ قدیمی که در ادب و کلتور ممالک آسیای وسطی موجود است فهمیده می شود که مصوری و نقاشی در خراسان از عصور قبل از اسلام رواج داشته و در افغانستان از امتزاج هنر بودایی و یونانی سبک هنری گریکو بودیک در مدارس گندهارا بوجود آمده بود که در عصر کوشانیان این هنر در افغانستان صبغه خاص محلی را یافته بود.

مصوری و مجسمه سازی گندهارا در ادب و آرت دوره اسلامی آنقدر نفوذ نمود که شعرای قدیم فارسی بت قندهار و نقش قندهار را سمبول حسن و جمال قرار دادند سنائی غزنوی گفت :

صانعی باید حکیم وقادر و قائم بذات

تا پدید آید ز صنع وی بتان قندهار (۱۵)

حتی گاهی تنها کلمۀ قندهار سمبول زیبایی و جمال بود ناصر

خسرو علوی گفت :

سوی شاخ بادام شو بامدام

اگر خواهر هر قندهار (۱۶)

در دوره اسلامی در افغانستان فن نقاشی و مصوری را از عهد سامانیان بلخی سراغ داریم، بدین معنی که در قرن چهارم هجری نصر بن احمد سامانی نسخه ترجمۀ شده کلیله و دمنه را بوسیله نقاشان چینی مصور نموده بود و نقاشی روی دیوارهای کاخها نیز از همین دوره مرسوم بود که استاد معروف هرتسلفد در سیستان نمونه هائی از آن یافته است. (۱۷) و هنگامیکه آثار لشکرگاه غزنویان در بست کنار هلمند کشف شد و بر دیوارهای آن تصاویر غلامان محمودی دیده می شود از ملاحظه آن به یقین می پیوندد که هنر مصوری در آن عهد چه مراحل

را می پیمود و علاوه برین از روایت ابو الفضل بیهقی میدانیم که شهزاده مسعود فرزند سلطان محمود در باغ عدنانی هرات عیش خانه ئی داشت که دیوارهای آنرا به نقوض و تصاویر گوناگون آراسته بودند. (۱۸)

اما نقاشی های دیوارهای حمامهای و تالارها و سالن های خصوصی شده و در دوره اسلامی مکتب های مصوری سلجوقی و مغولی و تیموری و صفوی معروف است که منبع و پرورشگاه تمام این مکاتب هنری باز خراسانی بوده و در خاکهای پارس و عراق و تورکیه پرورده شده است. (۱۹)

یک نسخه شاهنامه فعلاً در موزه طویقاپولرای استانبول هست که در سال (۷۱۳ هـ ۱۳۳۱ م) نوشته شده ولی صور و نقوش این نسخه برزخ میان صورتهای مکاتب سابق و لاحق بوده و باز گشت زمینه قرمز رنگ سلجوقی و سادگی و عدم تصنع در رسوم اشخاص آن دیده می شود. که تاثیر روش مغولی در آرایش لباس و مناظر کوهستانی و گل و بوته آن نیز مشهور است. (۲۰)

از بهترین صور نقاشی شده سبک مغولی افغانستان در حدود بعد از قرن ششم هجری مرقعی است از کلیله و دمنه که بعداً برای شاه طهماسب اول صفوی فراهم آوری شده و اکنون در کتابخانه پوهنتون استانبول موجود است.

در کشیدن صورت اشخاص این مجفوعه دقت و مهارتی دیده می شود و نقاض از روشهای چینی عناصری دران اقتباس کرده که در مناظر طبیعی آن بنظر می آید و در مراعات حالت طبیعی و اتقان اشکال آدمی و حیوانی بحدی موفق است که هنرمندان و نقاشان تبریز هم بآن پایه نرسیده اند بهر حال یک روحانیت و حالت طبیعی در این

مجموعه مشهود است که بما اجازه میدهد آنرا از صنایع هرات در نیمه قرن هشتم صنایع و فنون دران بر اثر یایتخت بودن سلاطین کورت رونق یافته بود بدانیم. اما این صور و اشکال خالی از یک حالی هندی نیست و شاید این باشد که سلاطین کورت منسوب به غوریان اند که درسالهای (۵۴۳/۶۱۲ هـ ۱۱۴۸ / ۱۲۱۵ م) بر افغانستان و هند حکومت کرده اند و این رابطه و نسبت که بین دو سلسله بوده است در فنون شهر هرات تاثیر داشته است. (۲۱)

این رای موکف صنایع اسلام قین بصواب است زیرا از ملاحظه تاریخ سیفی هروی که از مؤرخان دربار آل کورت هرات است بخوبی میدانیم که شاهان آل کورت تا دره بولان و حدود سرزمین سنده حکمرانی داشتند، و شاید آثار هنری هندی را بدربار خویش در اثر تماس با مردم سند به هرات انتقال داده باشند.

در سال (۷۷۱ هـ ۱۳۷۰ م) سمرقند پایتخت تیمور شد وی مشهور ترین هنر مندان را درآن شهر فراهم آورد اما تابلوهای نقاشی که بشهر سمرقند منسوب اند خیلی کمیابند و بهمین جهت شاید ممکن نباشد آثار فنی زیادی بآن نسبت داد فقط میتوان اشکال منقول از نمونه های چینی و بعضی اشکال دیگر را که روشهای چینی در آن تاثیر کرده و مشتمل بر رسوم و اشکال حیوانات حقیقی و خرافی و بعضی کتابهای خطی علوم فلکی را منسوب بآن شهر دانست. (۲۲)

شاهرخ (۸۰۷ / ۸۵۰ هـ = ۱۴۰۱ / ۱۴۴۷ م) پسر و جانشین تیمور هرات را مقر حکومت خود قرار داد وی عدع زیادی از هنرمندان را برای استنساخ و مصور ساختن کتب جهت کتابخانه خود استخدام کرد که در بین آنه خلیل نقاض را میتوان نام برد، که در آن زمان یکی از عجایب اربعه و تالی مانی بشمار میرفت. (۲۳) بایسنقر میرزا (متوفی

۱۴۳۳ م) پسر شاهرخ یک کتابخانه و مدرسه فنون کتابت تاسیس کرد که در آن چهل هنرمند از قبیل نقاش و خوش نویس و صحافت کار میکردند، و در راس آنها جعفر بایسنقری خطاط مشهور بود، از جمله نقاشان امیر شاهی سبزواری و غیاث الدین را میتوان نام برد، غیاث الدین جزو یک هیئت سیاسی از طرف شاهرخ به چین فرستاده شده. (۲۴)

چون روابط محکم بین دربار هرات و خاندان شاهان منگ چین (۷۷۰/ ۱۰۵۴) موجود بود و سفرای جانبین بدربارهای یکدیگر فرستاده می شدند بنا بران تاثیر هنر چینی در مکتب فنی هرات نمایان است که از آن جمله تزئین جلد های کتب به رسوم حیوانات خرافی چینی است. (۲۵)

اگر چه نقاشان در بار بمصور ساختن شاهنامه ادامه میدادند اما موضوعی که بیشتر توجه آنها را جلب میکرد، اشعار عاشقانه و تصوفی بود که برای نقاشی این اشعار مکتب هرات سبک جدیدی ابداع کرد، که متناسب با معنی و مفهوم اشعار غنائی و عاشقانه باشد.

معمولاً اشکال انسان درین تصاویر ظریف و کوچک ترسیم شده و منظره آن کاملاً محیطی و تزئینی و دارای افق بلند و جبال است رنگ آمیزی این تصاویر روشن و هم آهنگ است و با مقایسه با نقاشی دوره اولیه مغول رنگهای جدید بان اضافه شده است.

ایجاد این سبک خاص در نقاشی که بتدریج نفوذ های خارجی در آن مستهلک گردید مرهون مکتب نقاشی هراتست بدین تفصیل :

در عصر شاهرخ فن نقاشی مرحله اقتباس و فراگرفتن از فنون اجنبی را پیمود، و بدوره جوانی خود رسید، و توانست چیزهائی را که از دیگران گرفته است در خود تحلیل کرده و جزء لایتجزای خود

سازد، در صور و اشکالی که در اواخر قرن ۸ هـ (۱۴ م) کشیده شده میتوان مهمترین وسائل تزئینات سبکهای فنی را دید و همین وسائل در قرن بعد از بزرگترین ممیزات نقاشی مکتب هرات گردید. که مهمترین خصایص آنها منظر زیبای گلها و گلزارها و مناظر بهاری و پس از آن رنگهای درخشان و زیبایی است که هیچگاه خروج از رنگی بدیگری وحدت و استقلال آنها را متزلزل نمیکند. و از ممیزات دیگر این مکتب مناظر طبیعی و کوه و تپه هایست که شکل اسفنج کشیده شده و علاوه برین نقاشان این دوره توانسته اند میان اشخاص و ساختمانها یا سائر مناظری را که می کشند نسبت های مقبول و معقولی را قائل شوند، و تطور فنی مکتب هرات خیلی واضح تر و آشکار تر است، و از آثار مهم این دوره مجموعه اشعارست بقلم مرتضی حسینی (قسمت اسلامی موزه دولتی در برلن) که در سنه (۸۲۳ هـ) (۱۴۲۰ م) برای کتابخانه بایسنقر شاهزاده تیموری نوشته است. و امتیاز این نسخه در این است که نقاشی توانسته است صورت اشخاص را آنقدر که ممکن بود کم کند و در رنگ آمیزی و کشیدن کوه و تپه مهارت نشان دهد، نقاشان این دوره از سبکهای فنون چینی اقتباس کرده و هضم کرده اندریک سبک مستقل و قوی را که نماینده روح فنی عصر بود بوجود آورند. (۲۶)

میناتورهای کتب عصر تیموری از حیث سبک بیکدیگر شباهت دارند و به شیوه میناتور سازی که چندی بعد در هنرات ظاهر شد، خیلی شباهت دارند.

خصایص این قسم میناتور عبارتست از کوه هائی در فواصل معین با سبزه پوشیده افق بلند و رنگهای جدید به الوان گوناگون. در تحت نظر این هنرمندان هرات و بدست آنان عصر طلایی میناتور سازی ظاهر گردیده. نقاشی ها و تصاویری که این صنعتگران کشیده اند به

مقیاس کوچک است و در ساختن آن دقت زیاد کرده اند و مخصوصاً به ریزه کاری خیلی اهمیت داده اند این مینیاتورها تأثیر آرایشی فراوان دارند و رنگهای جدیدی که در آن استعمال شده لطیف و خوش منظر است، درین مینیاتورها فاصله های بین تصاویر بطرز تازه نشان داده میشود، چونکه تصاویر در چند سطح کشیده شده اند تا اینکه دوری و نزدیکی نسبت بیکدیگر را بنمایند طبقات نازک صخره و کوه هائی که بافق منتهی میشود، بانواع رنگهای قشنگ ساخته شده، درختان و گل و گیاه و جزئیات آن با دقت کشیده و نمایش داده شده است. آسمان بالای افق اغلب طلایی رنگست، و برای نشان دادن ابر پیچ نازکی بسبک چین کشیده شده آسمان شب را با رنگ سرمه نی و ماه و ستارگان را با رنگ طلایی جلوه داده اند

چنانچه گفتیم نقاشان به مصور ساختن و مینیاتور کاری شاهنامه فردوسی ادامه میدادند ولی درین زمان آثار شرای بزمی وسیله و صحنه جدیدی برای ابزار این صنعت بوده و کتب سعدی و نظامی را استنساخ کرده و مینیاتور آرایش و زینت دارد، و هیچگاه سعی نشده است منظره نی را نشان بدهند، که بعینها همان باشد، که بچشم یا دوربین عکاسی میآید، و قوه مخیله و تصور در آرایش آن میدان وسیعی دارد. (۲۷)

تکنیک دقیق و طرز نشان دادن منظره و کوچکی اشکال از خصایص مکتب هرات در نیمه اول قرن (۱۵ م) است. (۲۸)

از قدیمترین کتب خطی منسوب بمکتب هرات کتاب کلیله و دمه (کاخ گلستان تهران) است که در اتفاق تصویر طبیعت و آثار آن و هضم و تحلیل عناصر چینی ممتاز است، و نسخه خطی گلستان سعدی (۸۳۹ هـ) (۱۴۲۶ م) که برای بایسنقر نوشته شده و دارای (۸) تصویر بدیع و زیباست تمام معیذات و محسنات فنی مکتب هرات را دارد. (۲۹)

در موزه هنرهای زیبای پاریس تابلوی ملاقات همای و همایون در باغ ها کاخ شاهی چین از شهکارهای نقاشی مکتب هرات است که سراسر آن ابداع مقرون بزبانی رونق دادن بین اجزاء و قدرت کامل بر تعبیر عواطف و افکار بوده و جنبه اشرافی و بزرگی اشخاص بخوبی در آن آشکار است. رنگ آمیزی عجیب و گلهای زیبائی که در آن کشیده شده جذبه خاص بدان میدهد.

علاوه برین تابلو، صورت مستقل دیگری نیز روی پارچه ابریشمی طبق روش چینی در مکتب هرات کشیده شده و تصور می‌رود که از آثار همان غیاث الدین نقاش باشد، که در سالهای (۸۲۳ - ۸۲۷ هـ) جزء هیئت کونتس دوبهاک موجودند که اجتماع سبکهای چینی و هراتی را در کمال مهارت و خوبی نمایندگی می کنند.

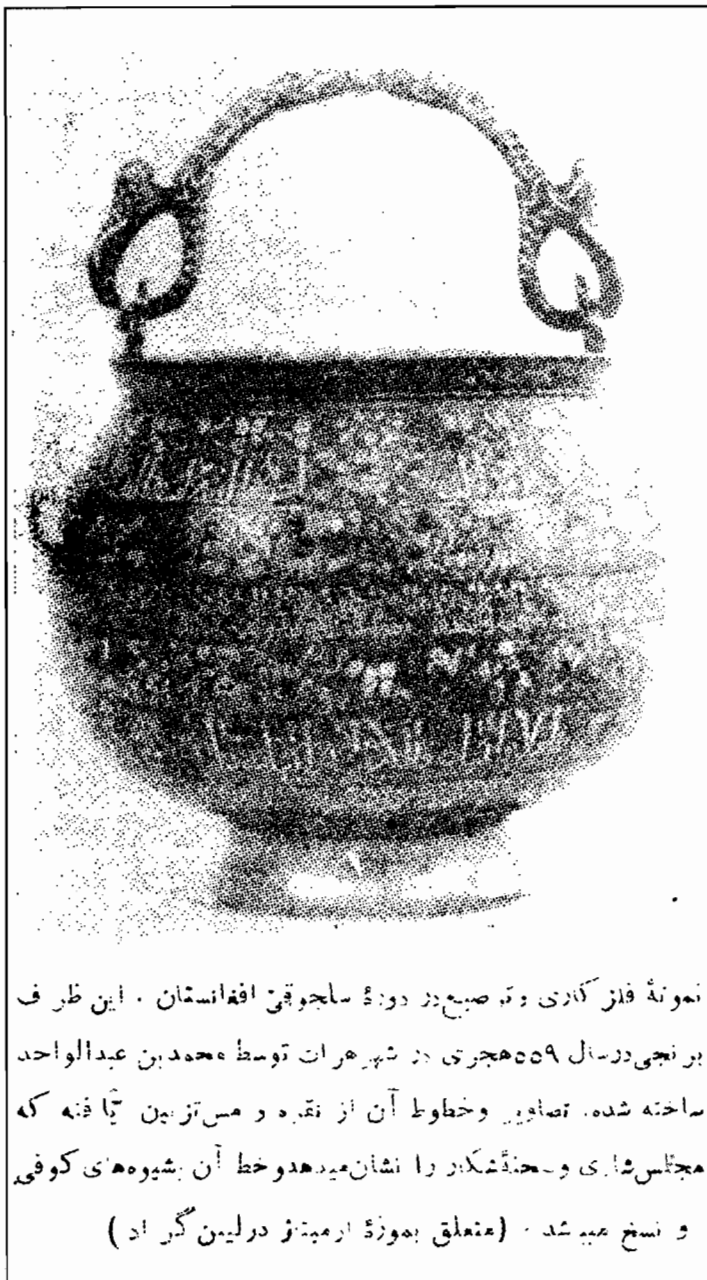
اما مکتب فنی هرات از نیمه قرن نهم هجری (۱۵ م) در پیوند صور و اشکال و رنگ آمیزی آنها یک تشخیص قوی و مستقلى را تشکیل داد، که نسخه انجمن آسیائی لندن نوشته شده برای محمد جوکی بن شاهرخ در حدود (۸۴۰ هـ) نمایندۀ آنست، و همچنین دیوان اشعار سلطان حسین میرزا (متوفی ۸۹۰ هـ) در مناظر طبیعی و تصاویر ابنیه و سیما و چهره مغلوی اشخاص و تناسب رنگها از پیشرفت فنی هنرمندان مکتب هرات حکایه میکند. (۳۰)

بهزاد و مکتب او :

بزرگترین نقاشان دروۀ اسلامی کمال الدین بهزاد در سنه ۸۵۴ هـ ، ۱۴۵۰ م) در شهر هرات بدنیا آمد (متوفی ۹۲۲ هـ ، ۱۵۳۷ م) وی شاگرد سیداحمد نقاش است که در دربار سلطان حسین میرزا تا (۹۱۶ هـ) میزیست و بعد از آن بدربار صفویان پارس رفت و در سنه ۹۲۸ هـ

۱۵۲۲ م) بموجب فرمان شاه اسمعیل صفوی مدیر کتابخانه سلطنتی و انجمن فنون کتاب نویسی و ریاست تمام هنرمندان نایل آمد. (۳۱)

بابر بهزاد را بزرگترین نقاشان گفته و مؤرخین دیگر نوشته اند که استادی و مهارتش نام سایر نقاشان را محو کرده و یک موار قلم او په جملات زندگانی بخشیده. وی اولین نقاش دروۀ اسلامی است که ملزم بامضای آثار فنی خود شده و بر اثر علو مقام و منزلتی که داشته توانست که بر تمام خطاطان و نقاشان پیش گیرد، وی در رنگ آمیزی و مزج رنگها و دانستن خواص و ترکیب آن و در تعبیر حالات مختلفه نفسانی مهارت داشت و مخصوصاً در کشیدن اشکال ایینه و مناظر طبیعی بحد اعجاز رسیده است در تصاویر وی آرامش و خوش سلیقگی و ابداع و مهارت موجود است و در ترکیب و تزئین آن و انسجام رنگها کمال نقاشی مکتب تیموری را بروز داده است و مدققین رای دارند که در تصاویر بهزاد مقدار زیادی از عنصر حب الهی و مقام روحانیت و قدوسیت دیده می شود، و شاید این جنبه در اسلوب نقاشی بهزاد برای این باشد که مشرب تصوف مقارن تولد بهزاد و دوره کودکی او باوج عظمت خود رسیده بود. (۳۲)



نمونه فلزکاری و تصحیح در دوره سلجوقی افغانستان . این ظرف
برنجی در سال ۵۵۹ هجری در شهر هرات توسط محمد بن عبدالواحد
ساخته شده. تصاویر و خطوط آن از نقده و مس تزئین یافته که
مجلس شای و محند شکار را نشان میدهد و خط آن بشیوه های کوفی
و نسخ میباشد . (متعلق به موزه ارمنستان در لنین گراد)

میناتورهای زیادی موجود است که به بهزاد نسبت داده شده ولی تقریباً همه آنها مورد تردید بعضی از اهل بصیرت است نقاشان عصر تیمویان قبل از بهزاد کارهائی انجام داده اند که اگر کاملاً پیاپی کارهای بهزاد نرسند نزدیک به آن میباشند، یکی از نقاشان عصر بهزاد و همکار او قاسم علی بود، گر چه شهرت بهزاد را نداشت اما کار هایش پیاده کارهای وی میرسد، دو نفر از شاگردان بهزاد شیخ زاده خراسانی و آقا میرک تبریزی تقریباً بهمان درجه استادی بهزاد رسیده اند، میتوان تصور کرده که بسیاری از نقاشی ها را خود استاد طرح ورزی کرده و شاگردانش آنها را تمام و کامل کرده اند.

میناتور دولایی ازان دوره که اکنون بدولت ایران تعلق دارد دارای منظره باغ و تصاویر متعدد است در گوشه راست در سمت پایین تصویر دو نفر زن است که کنایی کوچک در دست دارند آن کتاب بخط بسیار ریز نوشته شده :

تصویر سلطان حسین میرزا _ عمل بهزاد" میناتور تمام دیگری که تقریباً مثنای کامل منظره قسمت چپ آن میناتور دولایی میباشد در یک مجموعه شخصی است.

در مجموعه نفیس کورکیان در نیویارک صفحاتی هست که در یکی ازان تصویر مدوربست که پیر زن و جوانی را در دامنه کوهی بر کنار رودی نشان میدهد و امضای بهزاد را دارا می باشد. ۳۳ هکذا تصویر شاه طهماسب صفوی بالای دزخت دارای امضای (پیر غلام بهزاد) که در موزه لوراست ازوست. (۳۴)

کتاب هفت پیکر نظامی موزه متروپولیتن نیویارک که محتوی صور و اشکلا بسیار بدیع و زیبا و مناظر ممتاز شکل و منسوب به بهزاد است با دو تصویر نسخه خطی خمسة نظامی تحریر (۹۰۰ هـ) منسوب به

روح الله میرک نقاش استاد بهزاد از آثار برجسته مکتب هرات اند. (۳۵)

خصایص مهم سبک بهزاد :

کسانیکه در شناسایی آثار هنری ذوق و بهره‌ی دارند سبک هنر بهزاد را چنین ستوده اند، که وی اعجوبه روزگار استاد عصر بود، نه برای اینکه سبک جدیدی را در مینیاتور ایجاد نمود بلکه بواسطه اینکه او صنعت را در کلبه جزئیات بمنتهی درجه کامل کرد و در آثار هنری او خصایص ذیل نمایانست :

۱. درستی و دقت کامل در خطوط تصاویر
۲. نمایاندن وضع چهره و قیافه اشخاص بطور شگفت انگیز بوسیله ترکیب انواع رنگها
۳. حرکت و مفهوم بودن اشارات تصویر
۴. ظرافت در کشیدن درختها، گلها، و درونماها و نیز در نمایش اشعه خورشید و ابر
۵. شماره رنگهای گوناگون و توافق آنها بایکدیگر برنگهای "سرد" مانند سرمه یی سبز، فیروزه یی، زرقونی، زرد و قهوه یی بیشتر توجه شده، طلا و نقره بکار رفته و اقسام مختلف قرمز استعمال شده. (۳۶)

مثلاً: تصاویر خمسه نظامی رنگ آمیزی سرد دارد، و آبی و خاکستری و سبز بیشتر بکار رفته است، یک مینیاتور بسیار زیبا و جالب توجهی که با همین صفات جنگ شتران را نشان میدهد و در تصرف دولت ایران است میگویند بهزاد بعمر هفتاد سالگی آنرا ساخته است. همچنین مینیاتور های بوستان کتابخانه مصر، هنر بهزاد را در اوج کمال نشان میدهد، این تصاویر از لحاظ ترکیب و حقیقت بینی از

شاهکار های هنر نقاشی محسوب می شوند، و تصاویر اشخاص، حرکت و شخصیت خاص افراد را ظاهر میسازد.

نسخهٔ خمسة نظامی مؤرخ (۸۴۶ هـ - ۱۴۴۲ م) در موزهٔ برتانیاست و سه میناتور آن مد از تمام کتاب یعنی در سال (۸۹۸ هـ - ۱۴۹۳ م) کشیده شده که امضای بهزاد را دارد.

اما بوستان کتابخانهٔ مصر دارای شش تصویر مؤرخ (۸۹۳ هـ - ۱۴۸۸ م) است که چهار از آن امضای بهزاد را دارد. (۳۷)

این نسخه را سلطان علی خطاط در سال (۸۹۳ هـ) برای سلطان حسین بایقرا در شهر هرات نوشت، و بهزاد متعهد نقاشی آن بود، که در تصاویر آن استادی کاملی را در ترکیب رنگها و حفظ نسبت تقسیم اشخاص در صورت و دقت در کشیدن اشکال نباتی و مهندسی بسبب دقت بخرج داده است. در سه تصویر بخط بسیار باریک در جایی که دیدن آن خیلی مشکل است نام خود را نوشته. اما امضای چهارم در تصویرست که مباحثهٔ و جدال عده یی از فقها در مسجدی نمایش میدهد، دري مسجد طاق بسیار زیبایی هست که حاشیهٔ آن دارای سیزده منطقهٔ است و در منطقهٔ اخیر نام بهزاد دو تاریخ (۸۹۴ هـ) دیده می شود و ثابت می آید که کشیدن این تصویر کاملاً یکسال بعد از نوشتهٔ کتاب بوده است.

این تصویر تفوق و استادی بهزاد را در کشیدن صورت اسب و نمایش دادن زندگانی روستایی و مناظر طبیعی نشان میدهد، و در اول کتاب تصویر سلطان حسین میرزا را در مجلس جشن و مهمانی کشده است. (۳۸)



مجنون در حال تماشاى جنگ شتر سواران طپوا يفا عر
(مؤرخ ۸۹۹ هجرى از خمسة نظامى - موزه بریتانیا)

همچنین شش مینیاتور در صفحه بی ظفر نامه تیموری در بالنیمود موجود است که در حاشئه آن تصاویر شاه جهانگیر آنرا کار بهزاد نوشته است، این کتاب توسط خطاط مشهور شیرعلی در سال (۸۷۲ هـ - ۱۴۶۷ م) برای حسین میرزا نوشته شده و سبک نقاشی بهزاد در آن بنظر می آید.

هکذا در موزه متروپولیتن یک صفحه نقاشی از دیوان جامی موجود است که درویشان را در حال رقص نشان میدهد، این نقاشی را میتوان به بهزاد نسبت داد زیرا این پرده شایسته فلم بهزاد است و همه خصایص کارهای این استاد را دارد اگر چه عدۀ زیاد هنرمندان هرات در عصر صفوی بدربار تبریز منتقل شدند، ولی بعضی از آنها در هرات مانده آن سبک مخصوص را ادامه دادند، بسیاری از مینیاتور های عالی هرات پس از رفتن بهزاد ساخته شده است.

این هنرمندان به ریزه که از خصایص سبک دوره تیموریست اهمیت زیاد میداد نه درین توجه به جزئیات اشیاء مانند فالی، اطاق، لباس و تزئینات، معماری، نقاشی های هرات را بزرگترین مینیاتور ها قرار میدهد و ثابت میکند که بهزاد تنها نقاش بزرگ هرات نبوده و رقبایی نیز داشته است. (۳۹)

یکی از آثار مهم مکتب هرات کتاب کلبله و دمنه مربوط موزه گلستان تهران است، که از حیث زیبایی تصاویر و مینیاتور بی نظیر است، و دیگر نسخه معراج نامه کتب خانۀ ملی پاریس است، که بسال (۸۴۰ هـ - ۱۴۳۶ ع) در هرات نوشته شده و نظیر آن دو تصویر مهم موزه متروپولیتن است که متعلق بیک نسخه شاهنامه مکتب هرات بود، و از آن جمله تصویر است که رستم را در حال گرفتن اسب معروف خود رخس نشان میدهد، لباس و رنگا رنگ رستم و شخص همراه او بر

زیبایی و ترکیب تصویر می افزاید. در حالیکه منظره طبیعی با درختان و دو قاز در چین پرواز سبک چینی نمایندگی میکند. (۴۰)

قاسم علی هروی :

از نقاشان زبردست مکتب هرات در قرن نهم هجری (۱۵ م) است که آثار فنی وی با استاد بهزاد شبیه است حتی که غالب مؤرخین فنون اسلامی آثارش را با کار بهزاد اشتباه کرده اند، نمونه های نقاشی قاسم علی در خمسة نظامی تحریر (۹۰۰ هـ - ۱۴۹۴ م) موزه بریتانیاست، که از ملاحظه آن تاثیر سبک بهزاد بکمال و تمام نمایان است. قاسم علی در موضوعاتی که میکشد و در اسلوب نقاشی وسایل تزئین تابلوهای خود عموماً از بهزاد پیروی میکند. اما باوجود آنهم در بکار بردن رنگها و تمییز دادن سیما و چهره اشخاص و تعبیر از احساسات و عواطف بیانه استاد خود نمیرسد. (۴۱)

در کتابخانه بورلی اکسفورد کتاب خطی تحریر شده در (۸۹۰ هـ - ۱۴۸۵ م) منسوب به قاسم علی موجود است که بهترین و زیباترین آن تصویر جماعت صوفیه در باغچه سبز و خرمی می باشد. (۴۲)

همچنین قاسم علی تصویر بهزاد را که در کتب خانه دانشگاه استانبول است کشیده است و از لباسهای بهزاد مفهوم می شود که این تصویر را بعد از انتقال او از هرات به تبریز کشیده باشد. (۴۳)



جنگ شمران - نقاشی بهزاد در هفتاد سالگی (کتابخانه سلطنتی ایران)



رستم و گدی فتن رخس - مکتب تیموری هرات
(متعلق به کتابخانه ملی پاریس)

دنبالهٔ مکتب بهزاد در فارسی و هند و بخارا :

در اوایل سلطنت شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ هـ - ۱۵۲۴ م) بهزاد زنده بود و آقا میرک از شاگردان بهزاد از دوستان نزدیک شاه بود، یکی از شاگردان او که سلطان محمد نام داشت، بمقام نقاشی دربار سید و پیشوای عده‌یی از نقاشان معروف بود.

سلطان محمد شاه جوان درس نقاشی میداد.

در سنه (۹۳۳ هـ) یک نسخهٔ شاهنامه برای شاه طهماسب تهیه گردیده که (۲۵۶) تصویر دارد و اکنون در تصرف بارون ادوارد روتشیلد Baron Edouard Rothschild در پاریس است که نقاشی‌های آنرا از سلطان محمد میدانند.

کارهای این استاد از حیث تنوع، رنگ آمیزی، نقشه، ترکیب و نیز برای توجه مخصوص به ریزه کاری مشهور است، یکی از معروفترین مجموعهٔ نقاشی این مکتب نسخهٔ مصور خمسة نظامی موزهٔ بریتانیاست، که تصاویر آن بوسیلهٔ شان مشهور که نام اشخاص ذیل زیر مینیاتورهای آن پدید می‌شود، ساخته شده :

آقای میرک، سلطان محمد، میرزاعلی، مولانا مظفر علی، میر سیدعلی. علاوه بر تصاویر (۳۹۶) ورق این کتاب دارای خاشیهٔ تزئین شده بسیار عالی از طلا می‌باشد که نقش آن اشکال حیوانات و گل و غیره است.

در میان این گروه شاگردان مکتب بهزاد میرسیدعلی مقامی بلند دارد، که در تجسم مناظر طبیعت و زندگی دهقانی ید طولی داشت، حیوانات را خیلی شبیه کشیده، چادر را بطرز زیبایی تزئین کرده، و دست هنرمند وی در اشکال گل و پرند و اشیای دقیق دیگر مشهور است.

در اواخر سلطنت شاه ظهماسپ نقاشی بنام استاد محمدی شهرت یافت، که پسر و شاگرد سلطان محمد بود، وی سبک جدید و قشنگی را در نقاشی رنگی بوجود آورد، و نیز برای ظرافتی که در تصویر سازی انسان و حیوانات بکار برده مشهور است. وی از نهال های برومند و آخرین مکتب بهزاد بود.

شعبه یی از مکتب هرات، در شیراز که مقرر سلطان ابراهیم بن شاهرخ بود رونق گرفت و مجموعه مصوری از بهترین اشعار فارسی در سال (۸۱۳ هـ _ ۱۴۱۰ م) نوشته شده که در موزه بریتانیا محفوظ است. مجموعه دیگر اشعار فارسی بتاریخ (۸۲۳ هـ _ ۱۴۲۰ م) نوشته شده در برلین هست، و نسخه از شاهنامه از همین مکتب در بودلیان موجود است، اما بقول پروفیسور کوهنل Kuhnل مینیاتورهای این مکتب از لحاظ رنگ آمیزی سبکتر و کم رنگتر از مینیاتورهای مکتب هرات است. (۴۴)

نفوذ بهزاد هم در هرات و هم در تبریز ادامه داشت، در هرات شاگردان بهزاد سبک استاد را تعقیب کردند، و خود بهزاد از سال (۹۱۶ هـ _ ۱۵۱۰ م) در تبریز بود، و میتوان او را مؤسس مکتب نقاشی صفوی (در فارس) دانست. چندین نسخه خطی و مینیاتور مفرد از دوره شاه اسمعیل صفوی بمکتب هرات نسبت داده می شود از آن میانه سه مینیاتور در موزه متروپولیتن و دو در کتابخانه ملی پاریس موجود است که همه آنها از نسخه خمسۀ امیر خسرو بلخی (ثم دهلوی) است که در سنۀ (۹۰۹ هـ _ ۱۵۰۳ م) در بلخ نوشته شده و کار آن خصایص اسلوب بهزاد را در بر دارد و اسلوب مکتب هرات در آغاز دوره صفوی در دو مینیاتور و صفحه اول کتاب گوی و چوگان عرفی که در سال (۹۲۹ هـ

— ۱۵۲۳ م) بوسیله خطاط مشهور علی حسینی در هرات نوشته شده بخوبی آشکار است این کتاب در پاریس موجود است.

یکی از نسخ خطی دیوان حافظ در پاریس است که پنج مینیاتور دارد، و یکی از ان امضای شیخ زاده و دوی دیگر آن امضای سلطان محمد نور را دارد، که پسر و شاگرد سلطان علی مشهدی است و تاریخ آن رجب (۹۳۱ هـ — ۱۵۲۵ م) است وی مکتب بهزاد را تعقیب می‌کرد.

اینک چند اثر دیگر مکتب بهزاد :

۱. دیوان میر علی شیرنوایی کتابخانه پاریس تحریر (۹۳۲ هـ — ۱۵۲۶ م) در هرات.

۲. خمسة نظامی مؤرخ (۹۳۱ هـ — ۱۵۲۵ م) موزه متروپولیتن که تصاویر آن هر دو کتاب را بنا بر شباهت سبک به شیخ زاده شاگرد بهزاد نسبت میدهند.

۳. دیوان مؤرخ (۹۳۲ هـ — ۱۵۲۶ م) کار سلطان محمد نور

۴. خمسة نظامی موزه بریتانیا تحریر بین (۹۴۶ — ۹۵۰ هـ برای شاه طهماسب.

۵. نسخه مصور شاهنامه مؤرخ (۹۴۹ هـ — ۱۵۳۷ م) در پاریس که این هر دو کتاب را کار سلطان محمد دانسته اند و همین کتاب دارای دو مینیاتور بامضای دیگر شاگردان بهزاد است : میرک و مظفر علی و میر سید علی. (۴۵)

مکتب نقاشی هرات در عهد صفویان در پارس و بعد از همایون در هند ادامه پیدا کرد، و مطابق محیط های جدید خویش نشوونما نمود، کتابهای فاخر و نفیسی را نقاشی کردند، که از آنجمله رضا عباسی و آقارضا و شاگردان مکتب هنری ایشان مانند معین و یوسف و محمد

قاسم (درپاریس) و شاهقلی و ولیجان تبریزی در مملکت عثمانی سبک نقاشی تورکیه را بوجود آوردند.



منظره باغ - از کارهای بهزاد. در قسمت پایین این تصویر کتابی که دو پادشاه در دست دارند، نوشته شده: « تصویر سلطان حسین میرزا - کار بهزاد »

مکتب نقاشی تورکیه هر چند منابع از مکاتب هنری اروپا نیز داشت ولی هسته مرکزی آنرا همان ادامهٔ مکتب هرات تشکیل میداد، و تصاویر کار شاهقلی و ولی جان شاگرد سیاوش اکنون در موزه های معروف اروپا و امریکا به نظر می آیند که اشکال حوریان بالدار بهستی در آن خیلی جالب است، و کتاب سلیمان نامه در همین سبک توسط فردوسی نام اهل بروسه برای سلطان بایزید دوم در حدود (۹۰۰ هـ) نوشته شد و نسخهٔ دیگر آن محررهٔ (۹۸۷ هـ) در مجموعهٔ چسترییتی لندن است، و نیز از نسخهٔ بی نامی شکل در موزهٔ متروپولیتن باقی مانده است که سبک هنری نقاشی تورکیه را نمایندگی میکند (۴۶) کمال تبریزی شاگرد میرزا علی و شاه قلی از بقایای هنرمندان بهزاد نیز به ترکیه مسافرت کرد و در دربار سلطان قانونی مقام بزرگی یافت. (۴۷)

اثر مکتب هنری هرات بر فارس :

هرات بمنزلهٔ مرکز تشعشع هنری آسیا مدتها باقی ماند و انوار هنر آن بر شرق و غرب و شمال تابید، در بار پارس و شاهان صفوی نیز مرجع هنروران گردید، و سبکی که ادامهٔ مکتب هرات بود، در خطاطی و نقاشی و مذهبی و مصوری بنام "مکتب صفوی" در پارس پرورده شد. از هنروران معروف و بقایای مکتب هرات در پارس سلطان محمد نور پسر و شاگرد سلطان علی مشهدی و شاه محمود نسابوری و میر علی (حدود ۱۰۰۸ هـ) و علی رضای عباسی و محمد مذهب و مولانا یاری و میرک مذهب و پسرش قوام الدین مسعود و مولانا حسن بغدادی و مولانا عبدالله شیرازی شیخ زاده و دوست محمد میباشند. که تحریر و تذهیب شهرتی داشته اند. (۴۸) و از آثار ایشان تذهیب

خمسۀ نظامی (۹۴۹ هـ) (موزۀ بریتانیا) و سرلوحۀ بوستان سعدی مؤرخ (۸۹۳ هـ - ۱۴۸۸ م) تذهیب یاری (دارالکتب المصریه) است که دران تصاویر مرغابی در حالت پرواز دیده می شود، ولی در روش مکتب صفوی همان صفا و لطافت رنگهای مکتب هرات موجود نیست و دقت در ترسیم و تزئین نیز از میان رفته است. (۴۹)

چون بد از ضعف تیموریان هرات استاد بهزاد به تبریز رفت مکتب هنری پارس نیز بر پایه کار این هنرمند و شاگردان استوار شد و سلطان محمد نور با این استاد و همراهانش دوست و معاشر بود، ولی اسلوا فنی بهزاد در هرات و تبریز تفاوت بارزی نداشته و فرق میان آثار فنی او در هرات و تبریز خیلی ساده و مختصر است اما شاگردان او که از هرات به پارس رفته اند، محیط جدید در سبک و اسلوب ایشان تأثیر نمایانی داشته است شیخ زاده خراسانی شاگرد بهزاد باری از هرات به تبریز رفت یک اثر نقاشی در نسخه خطی دیوان حافظ در مجموعه نفیس کاتبه محفوظ و مجلس وعظی است که در سیمای اشخاص تأثیر نطق واعظ کاملاً نمایان است و نقاض توانسته است باکمال مهارت تأثیرات نفسی آنها را ظاهر و مجسم سازد و این نقاش کاملاً از اسلوب بهزاد و شاگردانش بهره مند بوده است. (۵۰)

دکتر کوهنل عقیده دارد که ده تصویر از چهارده تصویر که در نسخه خطی بسیار زیبایی او خمسۀ نظامی که در سال (۹۳۱ هـ - ۱۵۲۵ م) بخط خوش نویس بزرگ سلطان محمد نور نوشته شده و فعلاً در نیویارک در موزۀ متروپولیتن هست بقلم شیخ زاده کشیده شده است.



صحنه کشته شدن شیر وسط رخس .

که در بین سالهای (۸۸۰ و ۸۹۰ هجری) در هران نقاشی شده است

دیگر از شاگردان بهزاد خواجه عبدالعزیز است و از جمله آثار فنی تصویریکی از شهزادگان صفوی در مرقعات کتابخانهٔ توپ قاپو سرای استانبول است که خواجه عبدالعزیز دران خود را از شاگردان بهزاد شمرده است آقا میرک نیز از نقاشان بزرگ و شاگردان بهزاد است که پنج تصویر او در نسخهٔ خطی خمسۀ نظامی محرره سال (۹۴۶ و ۹۴۹ هـ) در موزۀ بریتانیا هست از تمام رسوم و آثار و ابنیه و گلها و شاخه ها و درختها که درین تصاویر موجود است بر می آید که میرک از روش اسلوب استاد خود بهزاد اقتباس کرده، و حتی در برخی موارد استاد خود برتری داشته است.

گویند که سلطان محمد بعد از بهزاد ریاست مکتب صفوی را داشت، و تصاویری در کتاب خمسۀ نظامی سابق الذکر دیده می شوند، اسلوب این شخص واضح می سازد که میرک و سلطان محمد هر دو در مکتب بهزاد این فن را فرا گرفتند، و بعد از سلطان محمد شاگردانش شاه محمد و میر نقاض کارهای مکتب بهزاد را در پارس ادامه دادند، و مظفر علی و میرزا علی و میر سید علی هم از شاگردان مکتب بهزاد اند، که سنن فنی او را زنده نگهداشته و امروز بسا از کارهای ایشان در موزیم های دنیا محفوظ اند محمدی فرزند سلطان محمد نیز از برازندگان این مکتب است که آثار جاودانش تاکنون دیده می شود.

و بعد از ایشان آقا رضا و رضا عباسی و معین و حیدر و محمد قاسم و محمد یوسف و محمد علی و میر افضل و حبیب الله و ملک حسین و شاه قاسم و غیره از مشاهیر مکتب هنری پارس اند که از ستارگان آسمان بهزاد شمرده می شود. (۵۱)

نقاشی :

در نقاشی های هند بعد از فتح بابر (۹۳۲ هـ) نفوذ بهزاد و مکتب بخارا بنظر می آید چون همایون پسر بابر از پارس برگشت وی دو نفر نقاشان پارس خواجه عبدالصمد شیرازی و میر سید علی را که در تبریز به ایشان آشنان شده بود در سنه (۹۵۶ هـ _ ۱۵۴۹ م) بکابل خواست تا داستان امیر حمزه را مصور سازند، و این دو نفر استاد که از بقایای مکتب بهزاد بودند، مکتب نقاشی مغولی را شالوده گذاشتند، و کتاب امیر حمزه اصلاً (۱۴۰۰) قطعه نقاشی داشت، که از آنجمله برخی در مؤزۀ های اروپا و امریکا دیده می شود.

اکبر که حامی هنر بود بوسیله این دو هنرمند مکتب نقاشی را در آگره کشود، که تا صد نفر نقاشان دران، هنر می آموختند، بقول ابوالفضل نسخ زیاد استادان نامی مانند بهزاد و میرک و سلطان محمد در کتابخانه سلطنتی هند فراهم آمده بود و کتاب هفت پیکر نظامی بتاریخ (۹۸۸ هـ _ ۱۵۸۰ م) برای اکبر درین هنر کده به پیروی کارهای بهزاد نوشته شد و نسخه اکبرنامه چستریبتی لندن که در تصاویر آن بقلم هنرمندان هندی مانند دهرم داس، سنواله، شینکر، لعل، سوردای، و نرسنگه، و فرخ بیگ، و موکند و گویدهن تهیه شده و آمیزش سبک بهزاد را با مکتب هنری کشمیر و گجرات و پنجاب نمایش میدهد، از شاگردان این مکتب بساون و داسونتهه و منو هونیز شهرت دارند. و کار ترجمۀ فارسی مهابهارت از همین مکتب است. در عصر بعد از اکبر منصور و مراد و منوهر و ابوالحسن پسر آقا رضا ملقب به نادرالزمان (نقاشان دربار جهانگیر) و فاخرالله و میر هاشم و هون هد و بیچیترو . انوب چهارتر (نقاشان عصر شاه جهان) از بقایای این مکتب اند. (۵۲)

مکتب هنری بخارا :

در اواخر دروهٔ اوج هنری مکتب هرات هنگامیکه مکتب صفوی و هندی ازین منبع فیاض منشعب میشد در بخارا نیز سبک مهم نقاشی از همین سرچشمه بوجد آمده بود.

در حدود (۹۴۲ هـ - ۱۵۳۵ م) نقاشان و خوشنویسان زیاد مکتب هرات در اثر انقلاب روزگار و سلطهٔ صفویان به بخارا و ماوراء النهر گریختند، و در آنجا باسلوب مکتب هرات و مخصوصاً سبک بهزاد کار خود را ادامه دادند، از آنجمله میر علی هراتی شاگرد زین الدین محمد از خطاطان مشهور هرات در سنهٔ (۹۴۱ هـ - ۱۵۳۴ م) بدربار بخارا رفت و راه و رسم خوش نویسی مکتب هرات را در آنجا ادامه داد، وی نسخهٔ یوسف و زلیخای جامی را بتاریخ (۹۳۰ هـ - ۱۵۲۳ م) در هرات نوشت که در بخارا مصور و مذهب شد. (۵۳)

از هنرمندان مشهور مکتب بخارا محمد مذهب شاگرد میرعلی خطاط معروف و پیرو اسلوب بهزاد است، وی در القت دادن بین اشکال و پوشانیدن زمینهٔ تصاویر به ابنیه و کشیدن اشکال اشخاص و تقسیم آنها از روش بهزاد پیروی کرده و بعد از رفتن بهزاد به تبریز وی به بخارا رفته است.

از مشهور ترین آثار هنری محمود مذهب تصاویریست در نسخهٔ خطی تحفة الاحرار جامی که در بخارا نوشته شده و نسخهٔ یگر همین کتاب که تصاویر آن بامضای محمد مذهب است در مجموعهٔ هومبرگ کتابخانهٔ ملی پاریس دیده می شود. در یک مجموعهٔ نقاشی کتابخانهٔ حضرت رضا در مشهد مناظر یزمهای عشقی کار همین محمد مذهب و شاگردش عبدالله موجود است، که کاملاً سبک نقاشی بخارا را دارد.



منظره باغ - کمار بهزاد (قرن نهم هجری)



بخت دراویش با سلطان سوریه .
نقاشی مکتب بخارا (قرن ۱۶ هجری)

دیگر نمونه کار محمود در مینیاتور دو صفحه‌ی مؤرخ (۹۵۳ هـ - ۱۵۴۶ م) مخزن الاسرار نظامی کتابخانه ملی پاریس بامضای اوست. که اصل کتاب در سنه (۹۴۴ هـ - ۱۵۳۷ م) در بخارا بدست میر علی نوشته شده است، و امتیاز این تصویر در تناسب آن و تباین رنگهایش می باشد. (۵۴) دیگر نمونه مکتب بخارا یوسف و زلیخای جامی است که میر علی حسینی در سال (۹۳۰ هـ - ۱۵۲۳ م) نوشته ولی مینیاتورهای آن در حدود (۹۴۷ هـ) ساخته شده، و نفوذ شدید مکتب بهزاد و هرات را می‌رسانند، هکذا یک کتاب بوستان سعدی و دیگر فتوح الحرمین محبب لاری نیز دارای تصاویر بهمین سبک اند. (۵۵)

عبدالله مذهب نیز از مکتب هرات و بخارا هجرت کرد که تصاویرش خیلی کم و نادر بدست می‌آید، و شاید مشهورترین آنها تصویر جوانی باشد که در زیر درخت پر گلی مشغول ساز نواختن است، این پرده اکنون در موزه فنون نفیسه لیبیک میباشد. (۵۶)

از ممیزات مکتب بخارا یکی اینست که پوشاک سر اشخاص عبارت از کلاه ترک دار بلند است که قسمت پایین آنرا عمامه‌ی پوشانیده است، و دیگر صور اشخاص را بطور انفراد و مستقل کشیده و هراخوانان نقاشی ازین تصاویر مرقعهای جداگانه را تشکیل میدادند تزئین حواشی نسخه‌های خطی بانواع نقش و نگارهای دو رنگ طلایی و نقره‌ی بر روی یک زمینه رنگ آمیز نیز از ممیزات این مکتب است. (۵۸)

تذهیب :

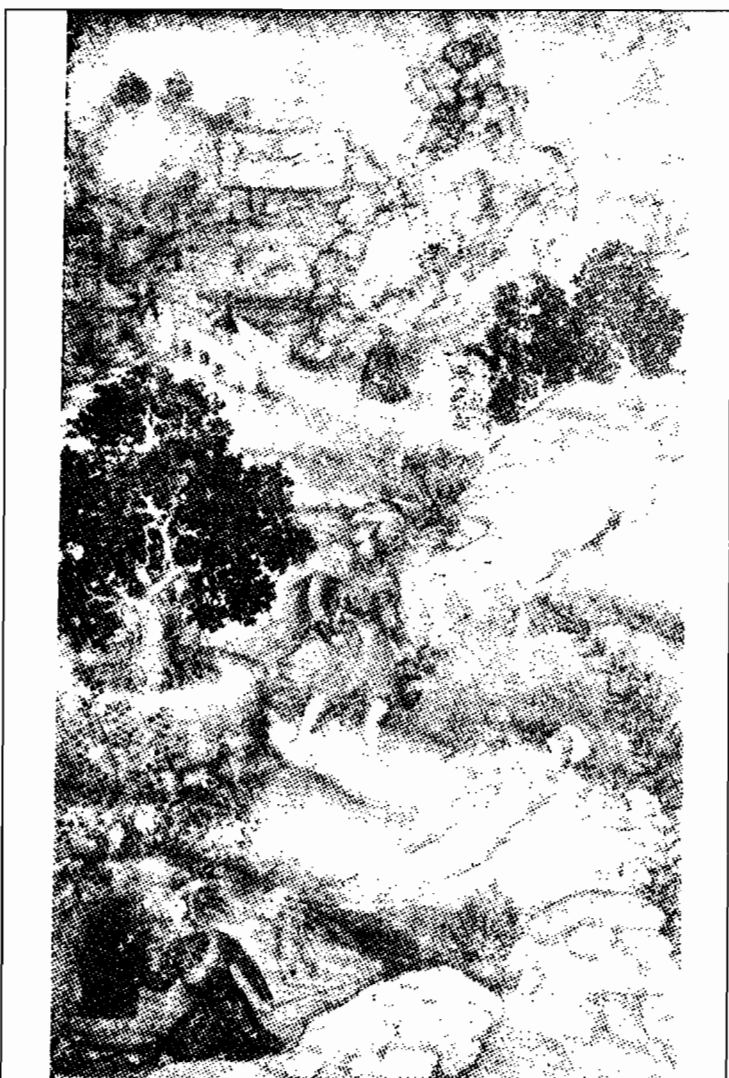
تذهیب کتب نیز از هنرهای خیلی مهم دوره اسلامی است و از نسخ قرآن عظیم که از قرن چهارم تا ششم هجرت در دست پدید

می آید که نسخه های کتاب آسمانی را با بهترین و دقیق ترین رسوم و اشکال تذهیب میکردند، و مذهبان که این کتب خطی را بعد از تحریر بانواع آرایش های هنری می آراستند در مرتبه از خطاطان و مصوران کمتر نبودند.

مذهبان حواشی و صفحات اول و آخر و سرفصلهای و عناوین کتب سوره ها و احزاب قرآنی را باستارگان و رسوم هندسی و گل و پوته و شاخه و برگها و گاهی با اشکال انسان و پرندگان و آهو و مرغابی و غیره تزئین می نمودند و مانند هنرمندان دیگر نام خود را بران کتاب باصفت "مذهب" می نوشتند، و برای این کار مصارف گرافی بامواد قیمتی از قبیل طلا و نقره و لاجورد و کاغذ عالی و الوان گوناگون میشد و قراریکه هنر شناسان رای داده اند درین تزئینات تذهیبی مخلوطی از رسوم ساسانی و بیزانس و نبطی و کتب یهود و مسیحیان کلیسای شرقی اقتباس می شد. (۵۹)

تاکنون کتب خطی تذهیب شده قدیمترین را از دوره سلجوقی یافته اند، که طریقه جدول کشی دور سطرهای نوشته شده، و تزئین حواشی خارج آنرا با اشکال و رسوم نباتی از ابتکارهای همین عصر می دانند در دوره مغول مذهبان رنگهای طلائی و آبی و قرمز و سبز و پرتقالی را استعمال میکردند، و رسوم و اشکال هندی گوناگون را باستاره های متنوع و اشکال مربع و مسدس و مثنی و دوایر مشبک و دیگر اشکال مملو از شاخ و بوته نباتات و صور انسانی و حیوانی می نوشتند، و دران منتهای دقت و استادی را نشان میدادند.

از نسخه شاهنامه بایسنقر موزه گلستان (۸۲۳ هـ) که دران صورت تذهیب نیز کشیده شده پدیدار است که مذهب نیز در جمله هنرمندان دیگر آبرو و مقامی در خور اهمیت داشته است. (۶۰)



عاشق منشا نورد - کار بسا ون - مکتب مفولای هند (قرن ۱۶ هجری)

در دوره تیموریان هرات بر اهمیت رونق تذهیب افزوده شده، که همان نسخه شهنامه بایسنقری این هنر را در نهایت اوج نشان میدهد، و از مذهبیان معروف اکادیمی هرات مولانا تاج محمد نقاش و مذهب بود که در علم حیل (جراثقال) و میکانیک و چینی سازی هم دستی داشت، و امیر خلیل و میرک نیز ازین جمله اند. (۶۱)

باری تذهیب از خصایص بسیار جالب مکتب هنری هراتست، که بعد از آن به پارس و هند و بخارا نیز سرایت کرده و تقلید شده است و در افغانستان بسا کتب خطی هرات بنظر می آیند که نمونه های خوب تذهیب و تزئین بشمار می آیند.

صحافی و جلد سازی :

اما هنر صحافی و جلد سازی کتب نیز در قرن نهم هجری در هرات باوج خود رسیده بود از بهترین کارهای صحافی و تجلید کتب که تاکنون بوجود آورده شده صحافی های مدرسه هرات دوره تیموریست که صنعت صحافی و چرم کاری بحد کمال رسیده، و دارای طرحهای عالی است که دران نهایت دقت و مهارت بکار رفته است.

قسمت خارجی معمولاً دارای تزئینات فشاری است در حالیکه در قسمت داخلی طرحهای زیبای بریده شده روی زمینه آبی رنگ قرار داده شده است، و نمونه های خوب صحافی و تزئینات جلد کتاب در نسخه های مؤرخ (۸۴۱ ه و ۸۴۹ ه) کتابخانه تویقانو سرای استانبول، و خمسه نظامی مؤرخ (۸۵۰ ه) متروبولیتن موجود است.

در قرن (۱۵ و ۱۶) صنعت کتپ ممالک اسلامی را در ایتالیا و مخصوصاً در شهر و نیز تقلید میکردند، و بدین وسیله بسیاری از نمونه های شرقی در طرحهای اروپا راه یافت و صنعت جلد سازی و طلاکوبی بسبک اسلامی در تزئین جلد کتاب در اروپا شایع شد. (۶۲)

اگر چه درین دوره هرات در فن جلد سازی و صحافی گوی پیشی را ربوده اما غیر ازان مراکز دیگری نیز وجود داشته که مهمتر از همه در خراسان و سمرقند و مرو و مشهد و بلخ و نیشاپور بود. (۶۳) و جلد سازان بر خلاف روش های قدیم که در تزئین بکار میرفت برای تزئین جلدها مناظر طبیعی و اشکال حیوانات و پرندگان حقیقی و خرافی را در نهایت دقت و اتقان بکار بردند. این هنرمندان فشار با ابزارهای ساده را برای ترسیم اشکال هندسی و شناخه و بوته روی جلد ترک کردند، و قالب های فلزی را که هر کدام دارای شکل مستطلی بود بکار برده و با آنها بجلد فشار وارد آوردند، و در اثر این فشار اشکال نباتات و حیوانات را شکل آدمی را بطور برجسته در روی جلد نمایان می ساختند، صحافان و جلد سازان مکتب هنری هرات از نیمه قرن دهم هجری (۱۶ م) برای تزئین جلد ها اشکال و رسم های لاکمی را نیز بکار بردند، و قدیمترین جلد های این نوع که بما رسیده در سال (۹۳۱ هـ - ۱۵۲۵ م) است که از حیث رنگ آمیزی خیلی زیبا و ممتاز است و رنگهای مشکی و طلایی زیادتر بکار رفته است.

نباید فراموش کرد که مکتب هرات در فن جلد سازی تاثیر زیادی نسبت بسایر مراکز فنی داشته، و رفت و آمد هنروران بدان شهر فراوان بود، و اکادیمی هنری هرات که در سال (۹۱۳ هـ - ۱۵۰۷ م) با هجوم شیبانی خان منحل شد، اغلب هنروران آن بمراکز دیگر فنی در هند و پارس و دربار عثمانی هجرت کردند.

باید دانست که این جلد‌های هزلها، که در دقت و نکات فنی و صنعتی یکی از معجزات فن آن بود تنها منظور از ساختن آنها این نبود که بمنزله غلافی باشد که کتاب را بدان حفظ کنند، بلکه خود آنها جزئی از اجزاء گرانبهای کتاب بشمار میرفتند، و کتاب باوقایه خود در محفظه‌ی از دیبا یا مخمل یا صندوق چوبی حفظ می شد. (۶۴)

اشکال نباتی :

دوره غزنوی بنظر کلاری در تزئینات نباتی که از شاخه و ساقه های ممتد تشکیل می شد امتیاز خاصی داشته و با توازن و تناسب بسیار دقیقی که نمونه کاملی از ابداع و قدرت نمایی در کشیدن اشکال "ارابسک" است آنها را نمایش داده است.

در اشکال نباتی و گلها و درخت هایی که از مکتب هرات در تصاویر یا بر روی خزف و یا منسوجات و پارچه های گرانبهای که در قرن دهم و یازدهم هجری (۱۷/۱۶م) می بینیم، ظرافت عنصر نباتی پدیدار است.

در حقیقت اشکال نباتی که در تزئین صنایع بکار میرفت از قرن (۸) هجری (۱۴) بسوی تکامل رفته و نمونه صادقی از نباتات و حقیقی شده و هنرمندان درین میدان به منتهی درجه موفقیت رسیده اند، و شاید بر اثر تاثیر فنون و روشهای چینی بود که بوسیله مغولها آمده است. (۶۵)

گرانبها ترین کتب دنیا :

در موزه گلستان تهران نسخه‌ی از شاهنامه بخط جعفر بایسنقری موجود است که در سال (۸۲۳ هـ - ۱۴۲۹ م) نوشته شده این نسخه از شاهکار های نقاشی این مکتب است که (۲۲) مینیاتور این کتاب نقاشی

هرات را در اوج ترقی خود نشان میدهد، از صفات ممتاز این تصاویر رنگ آمیزی درخشان و دقت در جزئیات است که مختص نقاشی آن عصر میباشد. (۶۶)

از لحاظ تذهیب و تزئین نیز این نسخه عالیترین کار مکتب هرات است که تذهیب کارهای رنگ آن توسط هنرمندان درباری انجام یافته و طرحهای گل و گیاه این تذهیب نمونه دقت در جزئیات و شفافیت رنگ است، بطوریکه نظیر آن فقط در مینیاتور کاری دیده میشود. (۶۷)

معاون آثار عتیقه مشرق زمین در موزه بریتانیا پروفیسور د. برت درباره این کتاب نفیس می نویسد :

'بایسنقر میرزا پسر شاهرخ (متوفی ۸۴۶ هـ) هنرمندان را از سراسر امپراطوری تیموریان در دارالعلم هرات گرد آورد، درین شهر بود که کاغذ ساز، خطاط، تذهیب کار، صحاف، رنگ ساز، نقاشی، شیرازه کار در تهیه کتابهایی که میتوان بعضی از آنها را از عالیترین کتابهایی که در تاریخ بشر ساخته شده دانست، همکاری میکردند، و شاهنامه بایسنقری (۸۲۳ هـ) را بوجود آوردند. که خطاطی و تذهیب و نقاشی فقط جزئی از تمام کتابست، صحافان نیز از نظر هنر از همکاران هنرمند خود عقب نماندند و نفیس ترین جلدی برای آن ساخته اند و حتی نمونه های این تجلید خراسانی مورد تقلید جلد سازان اروپا گردید، و این کتاب معرف عالیترین مرحله کمال کتاب سازیست. (۶۸)

گویند صورت بایسنقر میرزا که این نسخه باو تقدیم شده است باصورت نویسنده و مذهب و نقاشی که در آن کار کرده اند درین نسخه موجود است. (۶۹)

امتیاز این نسخه در اتقان تصاویر و ابداع در تزئین و استادی در رسم حوادث است بطوریکه روحانیت مخصوصی بانها بخشیده است و

مخصوصاً در تماسک اجزای رسم و وحدت تالیف بین آنها و متنوع در مناظر و خالی بودن از مکررات ملال آور مکتب های تبریز و شیراز و مراعات کمال دقت در کشیدن اسپها و بوته ها و گلیها و پرندگان و زینت لباسهاست، و توجه خاصی در رسم تفصیل داستانها و نمایاندن انواع تحف از قبیل قالی و ظروف و غیره شده است. (۷۰)

فلز کاری و ترصیع :

صنعت ترصیع اشیای برنزی با سایر فلزات از قبیل مس و نقره از عصر سلجوقی در خراسان وجود داشته و بالاخر ترصیع کاری ارزش هنری پیدا کرد، و اسلوب ابتکاری هرات و نساپور و سیستان و مرو که مراکز مهم فلز کاری بودند بتدریج به سایر ممالک راه یافت. (۷۱)

فلز کاری مانند دوره سلجوقی از برنز یا مفرع بوده و ترصیع و خاتم کاری از عوامل تزئینی عمده آن بود که اینک چند نمونه کار هرات و خراسان موجود است :

۱. در موزه هرمیتاژ شوروی قدیمی ترین نمونه ترصیع کاری یک قلمدان برنجی دارای ترصیع مس و نقره بصورت های کوچک و پرندگان کوچک و شاخ و برگ موجود است که مربوط بسال (۵۴۳ هـ - ۱۱۴۸ م) در خراسان باشد. (۷۲)

۲. مهمترین اثری فلز کاری مرصع هرات بی شک سطل مدور، دسته دار موزه هرمیتاژ است که بموجب کتیبه آن در ساله (۵۸۸ هـ - ۱۱۶۳ م) در شهر هرات بوسیله محمد بن الوحیدریخته گر و مسعود بن احمد قلم زن برای یکی او تجار شهر زنجان ساخته شده است و ازین معلوم است که این صنعت دران زمان در هرات سازمان مفصلی داشته و به

شهرهای دیگر صادر میشد، نقشه های این ظرف عالی از نقره و مس درست شده و پنج ردیف است، دوتای آن مجالس شادی دربار و شکار است. و بقیه مزین باخطوط کوفی و نسخ میباشد و قسمت عمومی خط نسخ، تبدیل ببدن و سر و کله آدمک هایی گردیده که بسیار دلپذیر و دقیق اند (۷۳)، و اشکال جنگجویان و شکار چیان و مناظر مردان را در حالت نوشیدن و بازی نشان میدهند، و صور رقاصه ها و نوازندگان نیز بران دیده می شود، و کتیبه های کوفی و نسخ آن که بشکل بدن انسانی آورده شده ابتکار خراسان است و ازین ظرف مصنوع هرات میتوان یک مکتب جداگانه ترصیع برنز و مس را تشخیص داد. (۷۴)

۳. ابریقی که در مجموعه مورگان بود، نمونه خوبی ازین گروه خراسانی است بدنه آن دارای تزئینات متشابه است که در انتهای آنها سر حیوانات مختلف نقش و به دوازده قسمت تقسیم شده است. تزئین گردنه کتیبه کوفی و نسخ است که عیناً مانند آثار دیگر هرات، انتهای حروف بشکل سر انسان در آورده شده است، و میتوان گفت که این ظرف در خراسان ساخته شده است. (۷۵)

۴. ابریقی در موزه تفلیس موجود است که بانقره و مس ترصیع شده و تاریخ آن (۵۷۷ هـ - ۱۱۸۱ م) است که امضای سازنده آن محمود بن محمد هراتی بران نوشته است. (۷۶) بدنه این ظرف شیار شیار است و بر روی شانه آن بروج دوازده گانه نقش شده و خصایص کاملاً خراسانی را دارد. (۷۷)

۵. دیگر از آثار هنری خراسان که خصایص صنعت هرات را دارد، قلمدانی است در گالری فریر در واشنگتون که سازنده آن شاهی ندامداشت و در (۶۰۷ هـ - ۱۲۱۰ م) برای مجد الملک مظفر وزیر اعظم خراسان در مرو ساخته شده و اسلوب تزئین و نوع کتابت کوفی و نسخ همانست که بشکل سر انسان و حیوان کشیده شده و در فلز کارهای هرات مروج بوده است، و بهمین سبک یک جام برنزی در موزه متروپولیتن نیز موجود است. (۷۸)

منسوجات :

باید گفت که دوره سلجوقی ارتقای صنعت بافندگی بوده است که دو عامل موثر داشت یکی تعالیمی که بواسطه سلجوقیان از سبکهای چینی فراگرفته اند و بر اثر آن ترسیمات دقیق نباتات و پرندگان و حیوانات در اشکال تزئینی آنها تجلی نمود، دوم اسالیب اسلامی که در بلاد بین النهرین متداول بود، و فروع بوتنه های نباتی و حواشی را بجای موضوعات تزئینی ساسانی بکار برده اند. (۷۹)

از مراکز نساجی قبل از دوره مغول خصوصاً هرات شهرد داشت، و مغولیان در هرات و نیشاپور به ارباب صنایع اذیت کمتر رسانیدند، در یکی از موزه های شهروین مجموعه بی از منسوجات ابریشمی دروه مغول موجود است که جزو کفن اودلف چهارم دوک اتریش بود، و بران اشکال پرندگان بزرگی است که بر زمیه اطلسی بافته شده و روی یکی از آنها کتابتی باخط نسخ درشت بنام سلطان ابو سعد (۷۱۷ / ۷۳۶ هـ) موجود است. (۸۰) شهرهای خراسان از قبیل سمرقند و هرات در عصر تیموریان مراکز مهمی بافندگی بود که امراء و شاهان می

پوشیدند، و بهترین پرده ها و فرشها و بالش و متکاهاز ازان درست میکردند، و سبک تزئینات دوره تیموری در کثر اشکال نباتات متصل باطلا و نقره و اشکال پرندگان مطابق روش چینی بر پارچه های مخملی بسیار عالی است، که یکی از جهانگردان ایتالیا آنرا دیده بود. چون بین دربارهای تیموریان و شاهان چین روابط سیاسی و اقتصادی بر قرار بود، بنا بران اثر صنایع چینی در هنرهای زیبای خراسان بخوبی دیده می شود، و حتی در (۸۲۳ هـ و ۸۲۶ هـ) چون هیئت اعزامی دربار هرات به چین رفت، غیاث الدین نقاش مشاهدات خود را که متضمن معلومات زیادی دربارهٔ ابنیه و البسهٔ چین بود، گزارش داد است. و بنابراین دوره تیموریان در تکمیل موضوعات تزئینی و نقش و طرح پارچه ها، لطافت و زیبایی خاصی یافته و ازان حالت ابتدایی و خشونتی که در پارچه های عهد ساسانی و صدر اسلام دیده میشود رهایی یافته است. (۸۱)

همانطوریکه هرات پرورشگاه صنایع نفیس در دوره تیموری بود، در عصر صفویان نیز یکی از مراکز مهم بافندگی و نساجی بشمار میرفت، و روش های نقاشی مکتب بهزاد چه در خراسان و چه در پارس در تزئین منسوجات نیز بکار افتاد و بر بسا پارچه های بافتهٔ عهد صفوی که اکنون نمونه های آن باقی ماند، در نقاشی و تصاویر بافندگی آن اثر صنعت سلطان محمد و محمدی و رضا عباسی از بقایای پیروان مکتب بهزاد دیده میشود. (۸۲)

قالین بافی :

قالین بافی از هنرهای قدیم خراسان بود. ۱. س. ۱۰ ادوارد که عمری را در قالین شناسی مشرق زمین بسر برده در فصل خاص قالی کتاب میراث ایران، دلایلی را می آورد که هنر قالی بافی قبل از نفوذ عناصر تورکی و هجوم اقوام مغول در سرتاسر خراسان رواج داشت و اکثر جغرافیا نویسان عرب و عجم از صنعت قالی بافی نمونه های از زمان قدیم و اوایل دوره اسلامی یادی کرده اند. (۸۳) و بقولی گذار نمونه های از قالین عهد ساسانی نیز در دست است. (۸۴)

م. س. دیمانند درباره قالین بافی خراسان معلومات مغتنمی می دهد و گوید :

"مار کوبولو که در حدود (۶۶۹ هـ _ ۱۲۷۰ م) به آسیای صغیر مسافرت کرد میگوید که زیباترین و عالیترین قالیهای دنیا بوسیله هنرمندان یونانی و ارمنی در بلاد ترکمن بافته می شود" (۸۵) و ازین آشکار است که در بلاد شمالی افغانستان و خراسان صنعت قالی بافی در کمال عروج وجود داشت. دیمانند گوید :

"از قالیهای مشهور و جالب توجه که نقش گل و برگ نخلی و شکل ابربسیک چینی دارند این نوع قالی که نمونه های زیادی از آن در موزه ها و مجموعه های خصوصی یافته میشود، باشتباه باصفهان نسبت داده میشوند، در صورتیکه در حقیقت متعلق به هرات و مشرق ایران است، در کارهای نقاشان هلندی و اسپانیایی اواخر قرن (۱۶ و ۱۷) تصویر اینگونه قالیهای دیده می شود اولریوس که با سفیر دوک هلشتین _ گوتورپ در حوالی سال (۱۶۳۷ م _ ۱۰۴۷ هـ) بایران آمده، مینویسد : که زیباترین قالیهای ایران در هرات خراسان بافته میشود. شهرت خراسان برای نفیس بودن قالیهایش از طرف دیگران نیز تأیید

گردیده و در قرن (۱۶ و ۱۷) هرات مرکز عمدهٔ قالی بافی خراسان بود. (۸۶)

در قالیهای قرن (۱۷) نوع هرات نقش همان نقش قرن (۱۶) است ولی قدری درشت تر شده و در عصر صفویان هم هرات یکی از مراکز عمدهٔ این فن بود و حتی در مینیاتورهای کتب مصور دورهٔ تیموریان اشکال این گونه قالیها به نظر می آید و از خصایص آن برگهای بزرگ دندانه دار است و حتی در هند هم ازین نوع قالی اقتباس کرده بودند. (۸۷)

قدیم ترین نمونهٔ قالی بسیار زیبای خراسان در موزهٔ پولدی پدزولی شهر میلان از قرن دهم هجری (۱۶ م) موجود است که آنرا یکنفر خراسانی ساکن جام ساخته و این بیت بران نوشته است :

شد از سعی غیاث الدین جامی

بدین خوبی تمام این کار نامی (۸۸)

در قرنهای (۹ تا ۱۱ ه) نقاشان به کشیدن تصاویر کتب خطی اکتفاء نکرده و نفوذ خود را در سایر انواع فنون مانند تزیین عمارات و مصنوعات چینی و پارچه ها و قالیها نیز بکار برده اند مهمترین نقاشانی که در نقشه کشی قالی کار کرده اند : بهزاد و سلطان محمد و سیدعلی اند. (۸۹)

دکتور زکی محمد حسن مصری راجع به قدمت صنعت قالی بافی افغانستان گوید : اگر چه تاریخ قالی های معروف راجع به دورهٔ سلجوقی است ولی از مصادر ادبی و تاریخی بر می آید که در قرن پنجم هجری (۱۱ م) قالیهای نفیسی در دربار سلاطین غزنوی بوده است. (۹۰) و تصاویر فرشهایی که در مشرق ایران خصوصاً آنهای که

منسوب به هرات اند در تابلوهای فنی اروپائیان در اواخر قرن دهم هجری (۱۶ م) زیاد کشیده شده است. (۹۱)

در انواع قالی قسم گلدار هراتی در خراسان شهرت داشت که منسوب به قرن (۱۰ و ۱۱ هـ _ ۱۶ و ۱۷ م) است نقشه این قالیهای عبارت از سبز میباشد که در قرن (۱۱ هـ) بادزنهای نخل آن بزرگتر از سابق بوده و در اصل نقشه برگهای بلند و مقوسی هست و ازین پدید می آید که خراسان و هرات از زمان غزنویان یکی از مراکز عمده فنی بود. (۹۲)

یک عده سجاده به دوره صفوی نسبت داده میشود نقشه اصلی آنها آیات قرآن است که بعضی بخط نسخ و برخی کوفی نوشته شده و نکات دیگر نقشه و رنگ آمیزی آنها شبیه به قالی تبریز است ولی متخصصین در محل بافت آنها موافقت ندارند و عده‌یی آنرا بافت هرات میدانند.

از قالیهای که به هرات نسبت داده شده، عده ایست که نقشه آنها گل و مویچ پیچ میباشد که در اطراف گل عباسی بزرگ کشیده و آن عبارتست از طرح گلی که دور آن حلقه‌یی مدور یا بیضوی شکل از برگ دارد، در قالی هرات نقش ماهی نیز دیده میشود که به حدود (۹۰۰ هـ) تعلق دارد.

قالیهای هرات در طرح قالیهای هندی نفوذ مهمی داشته، اولیاریوس المانی که در زمان شاه عباس بایران آمده مینویسد که بهترین قالیها در هرات بافته میشود یک قسم قالیها را در اروپا و امریکا بنام قالی گلدانی میخوانند، زیرا نقشه بعضی از آنها گلدانیست، که ازان شاخ و برگ بیرون می آید. گلهای عباسی و اشکال گل و برگ که در این قالی دیده میشود شبیه به نقشه قالیهای هرات است. (۹۳)

ابنیه :

امیر تیمور معماران، نقاشان و صنعتگران را از نواحی مختلف گرد آورد و به پایتخت خود سمرقند برد این عده در ساختمان و طرح سبکی ایجاد نمود که باوجود اینکه صنعتگران آن از نواحی مختلف آمده بودند آن سبک کاملاً خراسانی بود. ساختمانهای سمرقند همه عظیم و دارای تزئین و آرایشی عالی بودند.

مسجد گوهر شاد مشهد که ازین ابنیه است به نظر بعضی از باستان شناسان در زمرة دوازده عالیترین بنای تاریخی دنیا بشمار میرود که در حدود (۸۲۱ هـ) بنای آن تمام شد و به دوازده سال در تحت نظر قوام الدین معمار معروف انجام یافت.

سر در این مسجد یک طاق عظیم کاشی کاری میباشد که در طرفین آن مناره است و بجای اینکه مطابق معمول روی دیوار بنا شده باشند تا سطح زمین امتداد یافته اند. زیبای کاشی کاری آن حیرت آور است و سردر عظیم را کتیبه مفصلی از کاشی احاطه نموده که دران بایسنقر، محاسن و تقوای مادر خود گوهر شاد را تمجید میکند.

داخل ایوان کاملاً سفید و ساده است و کتیبه هایی زیر گنبد عظیم دارد، این مسجد بسبک چهار ایوانی ساخته شده در کاشی کاری ایوان روبقبله برنگ قرمز بیشتر اهمیت داده شده و در ایوان های طرفین رنگ فیروزه، آبی و سبز بیشتر دیده میشود، همه دارای موزائیک های کاشی است که از حیث ترکیب قابل توجه است، گنبد پیازی شکل و رنگ آن سبز تیره است و کتیبه بزرگ سیاه دارد و این مسجد یکی از شاهکار های معماری دنیاست. (۹۴)

در قرية طیبات نزد یک مرز فعلی ایران و افغان ساختمان مزار مولانا شیخ زین الدین است که روی سردر آن چند کتیبه است که دارای

خصایص عصر تیموریان بود و در داخل آن کتیبه بزرگی است با کاشی سفید روی زمینه آبی که اسم شاهرخ بهادر با کاشی زرد رنگ دیده میشود، در تربت شیخ جام بین مشهد و سرحد افغان بعضی ابنیه مقبره ها متعلق بزمان تیمور است و مقبره گوهرشاد در هرات بنایست مربع شکل که گنبد آن سه مرتبه دارد.

گنبد اولی برای تزئین زیر گنبد به کار رفته و گنبد وسطی برای نگهداری و گنبد خارجی که به دیده های مدور متصل شده با کاشی آبی رنگ پوشیده شده است، این مقبره سابقاً به بنای دیگری وصل بوده و هفت مناره بسیار بزرگ بلند در نزدیکی آن قرار دارد. دو تالاب به مصلاهی معروف تعلق داشته که گوهرشاد آنرا ساخته، یکی به بنای که وصل مقبره بوده و چهار مناره بزرگ که باتکه های بزرگ سنگ مرمر و کتیبه ها و کاشی کاریهای دارای طرحهای مکرر زینت یافته و نشان میدهد که معماری و تزئین عصر تیموریان تاچه درجه زیبایی و عظمت داشته است.

در دوره سلجوقی به ساختمان و آجر کاری بیشتر اهمیت داده میشود ولی در عصر مغولی و تیموریان در تزئین بیشتر دقت شده و رنگهای گوناگون در بناهای عظیمی که با کاشی های الوانی که در تمام تاریخ دنیا نظیر ندارد ظاهر میگردد.

نجاری :

یک قسمت درهای چوبی که راجع به قرن پنجم هجری (۱۱ م) میشود در مقبره سلطان محمود غزنوی بود که اکنون در هندوستان در قلعه آگره میباشد این درها منب کاری است و ازین حیث خیلی شبیه است به آثار چوبی که در ترکستان غربی کشف شده است. (۹۵)

سطح خارجی این درها نیز منبت کاری است و با اشکال ستاره‌یی چوبی که فوق العاده زیبا و بادقت ساخته شده مزین می‌باشد. (۹۶)

حقیقه این اشکال و استادی آنها ازین آثار متجلی است و ثابت مینماید که در تنوع اشکال و ظاهر نمودن با برجسته کردن مواد تزئینی تا چه حدی موفقیت داشته‌اند و این تنوع بحدی است که سطح رامتعدد جلوه می‌دهد و چنان نمایش می‌دهد که سطوح متعددی از خلال همدیگر نمایانست و یاروی همدیگر متحرک است. و اگر چنین شهکاری را درهای مقبره سلطان محمود داشته باشد جای شگفتی است زیرا غزنه در قرن پنجم هجری یکی از مراکز مهم فرهنگی بوده است و فنون و صنایع دران شهر رونق خوبی داشته، و پیشرفت معمی نموده و طرز فنی خصوصی در آنجا بوجود آمده که از حیث تکامل و موضوع تزئینات خیلی قابل توجه شده است. (۹۷) (۹۸)

ماخذ

۱. صنایع ایران بعد از اسلام از دکتور زکی محمد حسن مصری، ص ۶۴ ترجمه و طبع تهران ۱۳۲۰
۲. تاریخ اللغات السامیه طبع مصر
۳. مجله اپیگر افیا انڈیا اسلامیکا ۱۹۲۶ م
۴. هیندبک آف پشاور موزیم، ص ۹ و ۱۰
۵. تاریخ ایران از براون ج ۱ ص ۶۹۲
۶. کشف الظنون ۴۱۹
۷. رجوع بطبع عکسی احمد آتش از استانبول ۱۹۴۹
۸. تاریخ اللغات السامیه طبع مصر
۹. مهم ترین آثار این ادوار افغانستان در رسم الخط کوفی کتیبه قبر سلطان محمود در غزنه ۴۲۱ هـ و کتیبه بنای مرقد حضرت امام یحیی بن زید مقتول ۱۲۵ هـ در سرپل (جوزجان) است که تاریخ ندارد.
۱۰. دکتور زکی حسن در کتاب تاریخ صنایع، بحواله سروی آف پرشن آرت ۱۷۳۲/۲
۱۱. راهنمای صنایع اسلامی از دیمانند، ترجمه فارسی طبع تهران ۱۳۳۶
۱۲. راهنمای صنایع اسلامی ۵۵
۱۳. راهنمای صنایع اسلامی ۵۷
۱۴. زکی محمد حسن در صنایع ایران، ص ۷۰
۱۵. دیوان سنائی ص ۱۴۱ بحواله مضمون نویسنده این سطور در مجله آریانا حوت ۱۳۴۰
۱۶. دیوان ناصر خسرو، ص ۲۰۰
۱۷. صنایع ایران بعد از اسلام ص ۸۸

۱۸. تاریخ بیهقی ۱۳۰
۱۹. صنایع ایران ص ۸۸
۲۰. صنایع ایران ص ۹۵
۲۱. همین کتاب ص ۹۶
۲۲. صنایع ایران ص ۹۹
۲۳. راهنمای صنایع اسلامی ۵۴
۲۴. همین کتاب ۵۴
۲۵. صنایع ایران بعد از اسلام ۱۰۴
۲۶. صنایع ایران ۱۰۲
۲۷. صنایع ایران ۱۷۰
۲۸. راهنمای صنایع اسلامی ۵۶
۲۹. صنایع ایران ۱۰۵
۳۰. صنایع ایران بعد از اسلام ۱۰۸
۳۱. نقاشی اسلامی از آه انورلد
۳۲. صنایع ایران بعد از اسلام ۱۱۲
۳۳. سروی هنر ایران ج ۵ تابلو ۸۸۵
۳۴. مینیاتور ایران از سارکسیان تابلو ۷۵
۳۵. صنایع ایران ۱۰۸
۳۶. تاریخ صنایع ایران ۱۷۱
۳۷. میراث ایران ۲۴۷
۳۸. صنایع ایران ۱۱۳
۳۹. تاریخ صنایع ایران ۱۹۴
۴۰. راهنمای صنایع اسلامی ۵۶
۴۱. صنایع ایران ۱۱۵
۴۲. التصوير الاسلامی تابلوی ۲۰
۴۳. صنایع ایران ۱۱۶

۴۴. راهنمای صنایع ۵۵
 ۴۵. راهنمای صنایع ۶۳
 ۴۶. راهنمای صنایع ۳۶
 ۴۷. صنایع اسلامی ۱۳۰
 ۴۸. راهنمای صنایع ص ۸۰ و صنایع ایران ص ۷۷
 ۴۹. صنایع ایران ص ۷۷
 ۵۰. تابلوی ۳۶ التصوير فی الاسلام بحواله ص ۱۲۱ صنایع ایران
 ۵۱. صنایع ایران بعد از اسلام ۱۲۰
 ۵۲. راهنمای صنایع اسلامی ص ۶۹ بیعد، و تاریخ صنایع ایران ص
 ۱۹۶ و صنایع ایران بعد از اسلام ص ۱۲۹
 ۵۳. راهنمای صنایع ص ۸۰
 ۵۴. صنایع ایران ۱۱۸
 ۵۵. راهنمای صنایع اسلامی ۶۵
 ۵۶. تاریخ صنایع اسلامی ۱۹۷
 ۵۷. صنایع ایران بعد از اسلام ۱۱۸
 ۵۸. صنایع ایران بعد از اسلام ۱۱۸
 ۵۹. صنایع ایران بعد از اسلام ص ۷۴
 ۶۰. صنایع ایران بعد از اسلام ۷۶
 ۶۱. صنایع ایران بعد از اسلام ص ۷۶ بحواله مصوری در اسلام تالیف
 آرنولد ص ۲۳۹
 ۶۲. راهنمای صنایع اسلامی ، ۸۹
 ۶۳. صنایع ایران ۱۶۴
 ۶۴. صنایع ایرن ۱۴۶ بیعد
 ۶۵. صنایع ایران بعد از اسلام ۲۸
 ۶۶. راهنمای صنایع اسلامی ۵۵
 ۶۷. راهنمای صنایع اسلامی ۸۳

۶۸. میراث ایران ص ۲۴۵
۶۹. صنایع ایران بعد از اسلام ص ۷۶
۷۰. صنایع ایران بحواله سروی آرت ایران ۱۸۵۱/۳
۷۱. رهنمای صنایع ص ۱۴۱
۷۲. میراث ایران ص ۲۲۲
۷۳. میراث ص ۲۲۲
۷۴. رهنمای صنایع ص ۱۴۲
۷۵. رهنمای صنایع ص ۱۴۲
۷۶. رهنمای صنایع ص ۱۴۲
۷۷. میراث ص ۲۲۳
۷۸. رهنما ص ۱۴۴
۷۹. صنایع ایران ۲۳۱
۸۰. سروی آرت ایران ج ۶ تابلوی ۱۰۰۳
۸۱. صنایع ایران ۲۴۰
۸۲. صنایع ایران بعد از اسلام ۱۲۴۳
۸۳. A.C. Edwards
۸۴. میراث ایران ص ۳۶۰ به بعد
۸۵. تمدن ایرانی ص ۲۹۱
۸۶. رهنمای صنایع اسلامی ۲۵۸
۸۷. رهنمای صنایع ص ۲۵۷ به بعد
۸۸. سروی آف پرشن آرت ج ۲ ص ۲۴۳۷ و کتاب فرش قدیم ج ۲ تابلوی ۲۲
۸۹. صنایع ایران بعد از اسلام ص ۱۵۷
۹۰. همین کتاب ص ۱۵۹
۹۱. همین کتاب ص ۱۶۳
۹۲. همین کتاب ص ۱۶۹
۹۳. تاریخ صنایع ص ۱۹۲ به بعد

۹۴. تاریخ صنایع ص ۱۸۴
۹۵. سروی آرت ایران ج ۶ ص ۱۴۶۲
۹۶. صنعت اسلامی از جی میگیون ج ۲ ص ۲۹۳ شکل ۱۱۳
۹۷. صنایع ایران ص ۲۷۸
۹۸. مجله آریانا، سال ۱۳۴۲ ش، شماره ها ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲.